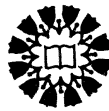


# متون تاریخی به زبان فارسی

گردآورنده  
دکتر عبدالحسین نوائی

تهران

۱۳۹۶



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)  
پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۵	تاریخ بلعمی: [تمامی حدیث انوشروان عادل و حوادث به روزگار وی]
۱۰	زین الاخبار: کی گشتاسب بن کی لهراسب؛ ابومسلم عبدالرحمن بن مسلم
۱۵	تاریخ سیستان: رفتن یعقوب به هرات و گرفتن هری
۱۹	تاریخ بیهقی: ذکر بر دار کردن امیر حسنک وزیر
۲۹	مجمّل التواریخ و القصص: اندر تواریخ و اختلاف که اندر آن رود؛ پادشاهی کیخسرو شصت سال بود
۳۵	تاریخ بیهق: الفقیه ابودجانه البیهقی؛ قصه سرودیه کشمر و سرودیه فریومد
۳۹	تاریخ بخارا: ذکر بنای مسجد جامع؛ ذکر نمازگاه عید
۴۴	سلجوقنامه ظهیری: [فروختن وزیر احمد بن نظام الملک را به امیر سیدهاشم علوی همدانی]؛ [کشتار و غارت غزان در خراسان]؛ آغاز «ذیل سلجوقنامه ظهیری نیشابوری»
۵۰	تاریخ ابن بی بی: ذکر محاسن اوصاف معین الدین پروانه؛ ذکر استیلای قرامانیان و تسلط جمری
۵۴	عقدالعلی للموقف الاعلی: فصل: در ذکر عدل و ثواب منصفان و حکایت عادلان؛ در ذکر دولت آل سلجوق و ایام فترت ملک کرمان
۶۰	راحة الصدور و آیه السرور: [ذکر سلطان ارسلان بن طغرل]
۶۳	تاریخ الوزرا: [وزارت قوام الدین درگزینی و شمس الملک بن خواجه نظام الملک طوسی]
۶۷	ترجمه تاریخ یمینی: ذکر قحطی که به نيسابور افتاد
۷۲	تاریخ طبرستان: [نامه تنسر]
۷۸	طبقات ناصری: حکایت [سفر مؤلف کتاب به قهستان]؛ [وبای اهل ارگ سیستان]
۸۳	نقشة المصدور: [آغاز کتاب]

صفحه	عنوان
۸۸	سیرت جلال‌الدین منکبرنی: ذکر شدایدی که سلطان کشید تا آنکه که در جزیره بحر قلزم وفات کرد
۹۲	جهانگشای جوینی: ذکر خروج تارابی
۹۸	جامع التواریخ: دعوت اسماعیلیه؛ حکایت وضع چاو نامبارک و خللها که بدان سبب در ممالک ظاهر شد؛ حکایت سی و ششم در ترتیب فرمودن عوامل در تمامت ممالک
۱۰۶	تاریخ و صاف: حسب سلطانی
۱۱۱	تاریخ طبرستان و رویان و مازندران: [آغاز کار سید قوام‌الدین المرعشی]
۱۱۷	تاریخ بناکتی: [سلطان محمود و شیخ ابوالحسن خرقانی]؛ در مراتب پادشاهان و سروران افرنج
۱۲۱	تجارب السلف: عبدالله المأمون
۱۲۵	تاریخ گزیده: در ذکر حکام قزوین
۱۳۰	مجمع الأنساب: الملك العادل نظام‌الدین حسن بن ابراهیم؛ الملك سیف‌الدین هزار سب بن حسن؛ الملك نظام‌الدین حسن بن هزار سب
۱۳۵	ظفرنامه شامی: ذکر توجه امیر صاحبقران به جانب شوشتر؛ ذکر توجه امیر صاحبقران به جانب دارالملک شیراز
۱۴۲	ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی: ذکر وفات قیصر سعید ایلدرم بایزید و شاهزاده عالی مکان امیرزاده محمد سلطان
۱۴۷	زبدة التواریخ: [ذکر واقعه‌ای که حضرت سلطنت شعاری را افتاد در سال هشتصد و سی هجری]
۱۵۳	مطلع سعدین و مجمع بحرین: ذکر مولانا زاده بخاری و ابتدای سربرداری در سمرقند؛ [ذکر با هم رسیدن امیرحسین و امیرصاحبقران و تدبیر نمودن در باب سربداران]؛ ذکر آمدن امیرحسین به سمرقند و گرفتن سربداران
۱۵۸	روضات الجنات فی اوصاف مدینة هرات: روضه سیم
۱۶۴	تاریخ دیار بکریه: ذکر محاصره و فتح بغداد
۱۶۹	روضه الصفای میرخواند: ذکر خطیب فوشنج
۱۷۳	حبیب السیر: گفتار در بیان نهضت رایت فیروزی نشان از خراسان به عزم تسخیر ممالک آذربایجان؛ ذکر انتقال امیر قرایوسف از عالم پرستیز و رسیدن میرزا بایسنقر به دارالملک تبریز

صفحه	عنوان
۱۷۹	احسن التواریخ: آمدن همایون پادشاه به درگاه عالم پناه
۱۸۵	خلاصه التواریخ: [شرح کشته شدن سام میرزا به فرمان تهماسب]
۱۹۳	عالم آرای عباسی: ذکر دفع ضاله ملاحظه که در این سال به تقویت شریعت غراء روی داد
۱۹۹	عباس نامه: قرار دادن دیوان عدالت در هفته سه روز؛ شرح بنای تکیه فیض
۲۰۴	عالم آرای صفوی: [جنگ چالدران و کشته شدن ملقوج اوغلی]
۲۰۸	تذکره الملوک: در بیان منصب هر یک از امراء عظام که لفظ «عالیجاه» مختص به ایشان است
۲۱۲	تاریخ سلطانی: [ذکر ظهور شبیه اسماعیل میرزا در کوه گیلویه]
۲۱۵	تاریخ حزین لاهیجی: معاودت به اصفهان؛ حادثه [سقوط] اصفهان و استیلای افغانه جهانگشای نادری: در بیان خاتمه کار خاقان غفران مآب و کیفیت قتل او با اولاد و
۲۲۱	اعقاب
۲۲۷	عالم آرای نادری: [آمدن ایلیچیان دولت روس نزد نادر]
۲۳۴	تاریخ نادرشاهی: [علت و کیفیت قتل عام دهلی]
۲۳۹	مجموع التواریخ گلستانه: در بیان آتش گرفتن باروت خانه قلعه کرمانشاهان و تنزل اهل قلعه و حقیقت آن ایام
۲۴۶	مجمع التواریخ: ذکر در بیان انقراض دولت لطفعلی خان سپهسالار و برادرزاده او که فتحعلی خان وزیر اعظم بود
۲۵۰	گیتی گشا: بیان احوال امیر مهنا ذعابی و گزارش کار آن
۲۵۶	تاریخ محمدی ساروی (احسن التواریخ): در ذکر تذهیب قبه مبارک و گنبد منور معطر امام الثقلین سید الشهداء امام حسین [ع]
۲۶۰	مآثر سلطانی: [اقدامات عباس میرزا در پیشبرد کار سپاه]
۲۶۵	اکسیر التواریخ: گفتار در وقایع سال بدفال پرمال هزار و دوست و پنجاه، سال سی و نهم سلطنت [فتحعلی شاه] و رسیدن آن حضرت به رحمت احدیت
۲۷۰	تاریخ نو جهانگیر میرزا: قصه احوال این دعاگوی دولت شاهی که از بدخواهی میرزا ابوالقاسم چون کشید
۲۷۵	روضه الصفا ناصری: [ذکر آمدن سفیران یمن و پرداخت قروض معتمدالدوله نشاط]؛ ذکر ادای قروض جناب میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله که سی هزار تومان بوده از خزینه عامره و روانه کردن سفرا به روس و انگلیس

صفحه	عنوان
۲۸۰	ناسخ التواریخ؛ ذکر ابنیه‌ای که به حکم شاهنشاه عجم [ناصرالدین شاه] در دارالملک ایران بنیان شده
۲۸۶	حقایق الأخبار ناصری: [مرگ میرزا تقی خان امیرکبیر]
۲۹۱	جلسه: [استنطاق حاجی میرزا آقاسی]
۲۹۴	خاطرات ناصرالدین شاه (در سفر سوم فرنگستان): روز جمعه ۲۵ [شعبان]
۳۰۰	آینه سکندری: افسانه‌های قدیم ایران
۳۰۵	افضل التواریخ: [عزل میرزا عبدالوهاب خان نظام‌الملک]
۳۱۰	منتخب التواریخ مظفری: آغاز پادشاهی مظفرالدین شاه
۳۱۴	مرآة الوقایع مظفری: [استعفای دوم اتابیک علی اصغرخان امین‌السلطان]
۳۱۸	سفرنامه مظفرالدین شاه (سفر دوم): جمعه بیست و چهارم جمادی‌الأولی؛ شنبه بیست و پنجم جمادی‌الأولی؛ یکشنبه بیست و ششم جمادی‌الأولی
۳۲۲	تاریخ مسعودی: [مذمت دولت قاجاریه]
۳۲۷	اخبار مشروطیت: [وبای سال ۱۳۲۲ ه. ق]
۳۳۱	تاریخ بیداری ایرانیان: [صورت عهدنامه بریگاد (قزاق)؛ روز شنبه ۴ شهر رجب ۱۳۲۴؛ صورت عهدنامه بریگاد (قزاق)]

## مقدمه

بحث درباره تاریخ‌نگاری در عصر هخامنشیان به علت در دست نبودن نمونه‌هایی از کتب تاریخی و غیر تاریخی تردیدآمیز خواهد بود. هرچند که وجود قرائنی چند تداول نوعی تاریخ‌نگاری را نشان می‌دهد. کتیبه‌های هخامنشی که بر سینه کوهها یا بر روی مهرها و جامها و کاسه‌ها هنوز روشنی‌بخش دیده و دل هر ایرانی است می‌رساند که برای قومی که به خط دسترسی یافته و به تعبیر دیگر توانایی ضبط وقایع و اندیشه را برای انتقال دادن به نسلهای آینده پیدا کرده، نوشتن بر روی پوست یا کاغذ مسلماً ساده‌تر از کندن حروف بر سینه کوههاست و در نوشته‌های مورخین یونانی هم اشاراتی هرچند مختصر آمده است که نوعی ثبت و ضبط وقایع معمول بوده است.

در دوره‌های بعد نیز مسلماً همین قیاس و استدلال پای برجاست، خاصه آنکه از زمان اشکانیان نیز نام چند کتاب را در دست داریم و از آن گذشته، غیر از کتیبه‌های اشکانی، اسناد مکتوبی نیز - هرچند بسیار محدود - در دست است و این می‌رساند که در جامعه اشکانی افراد فرهیخته کم نبوده‌اند هرچند که بر اثر گذشت زمان و به خصوص دشمنی ساسانیان با اشکانیان که منشأ و مأخذی باطناً سیاسی و ظاهراً مذهبی داشت موجب شده که بقایای اندیشه و هنر و دانش و سازندگی اشکانی حتی الامکان محو و معدوم گردد چنان‌که امروز کمتر اثر هنری یا معماری اشکانی در ایران باقی مانده و بقایای هنر و معماری اشکانی را کلاً باید در خارج از ایران، در شام (سوریه) و هترا و پالمیر یا در پنجکت و نسا و دیگر نقاط خراسان بزرگ جستجو کرد. اما در دوره ساسانیان - هرچند کتابی از آن دوره نمانده - ولی به طور قطع می‌دانیم که در زمینه تاریخ کتابهایی؛ چون خداینامک، بهرام چوبین

نامک و تاج نامک و امثال آن وجود داشته که هرچند کل آنها از میان رفته و از دسترس ما به دور افتاده، ولی ترجمه بسیاری از آنها در کتب مورخین قرن سوم و چهارم آمده است و مورخینی بزرگ چون طبری و مسعودی و حمزه اصفهانی از این منابع ارزنده سود جسته‌اند. رسالاتی هم به زبان پهلوی در دست است مثل کارنامه اردشیر بابکان و یاتکار زیران که در زمینه تاریخ است، ولی ظاهراً در قرون اسلامی نخستین نوشته شده است.

پس از تسلط عرب بر ایران و استقرار اسلام درین مرز و بوم دیگر خبرهای چندانی از نگارش کتاب - خاصه در زمینه تاریخ - به زبان فارسی در دست نیست و این نکته قابل ذکر است که پس از برچیده شدن بساط سلطنت ساسانیان، زبان گویش و نگارش ایران تغییر یافت و لهجه دری تقریباً در سراسر ایران بزرگ جانشین زبان پهلوی شد و آثار مکتوب چه شعر و چه نثر همه در قالب دری ریخته شد و دری زبان محاوره و زبان شعر و نثر چه در زمینه تاریخ چه در زمینه حکمت و فلسفه و هنر و علوم قرار گرفت و زبان پهلوی در هر منطقه به صورت گویش محلی در آمد که نمونه‌ای از آن در شعر به نام فهلویات و گونه‌ای از آن در هر منطقه به عنوان گویش محلی دیده می‌شود و هنوز گویشهای محلی در هر منطقه باقی است هرچند که به علت وجود تلویزیون و رادیو و روزنامه و کتب درسی که کلاً به زبان دری است روز به روز کم‌رنگ‌تر می‌گردد.

ظاهراً نخستین کتابی که به زبان فارسی - بعد از حمله عرب - نوشته شده کتابی است که به آفرید پسر ماه فروردین برای پیروان خویش که گروهی ظاهراً غیر زرتشتی و شاید بقایای مانویان بوده‌اند در بیان مبانی مذهب خود و مبادی اخلاقی و ذهنی و فکری کیش خویش نوشته است مثل وجوب هفت نماز و لزوم سجود در برابر خورشید به عنوان نیایش و در نماز، خورشید را قبله قرار دادن و منع کشتن حیوانات و اختصاص هفت یک دارایی پیروان خود برای کارهای خیر مثل تعمیر راهها و پلها.

نخستین کتابهایی که در زمینه تاریخ به زبان فارسی دری نوشته شده در نیمه اول قرن چهارم هجری قمری تألیف یافته‌اند؛ مثل ترجمه تاریخ طبری و تاریخ

سیستان و مقدمه و اصل شاهنامه ابومنصوری. این شاهنامه در سال ۳۴۶ ه. ق در دوران حکومت ابومنصور محمد بن عبدالرزاق طوسی بر خطه خراسان در سالهای نزدیک به نیمه قرن چهارم جمع آوری و نوشته شده است چه فرمانروای مزبور به آثار و اخبار نیاکان خویش یعنی بزرگان و شاهان و مهتران تاریخ ایران شور و شوقی تمام داشت و میخواست آن اطلاعات پراکنده را که در سینه اهل اطلاع بود در دفتری فراهم آرد تا هم از فنا و فراموشی آنها جلوگیری کند هم آن اخبار و اطلاعات بر صفحه روزگار برای نسلهای بعد برجای ماند. ازین روی وزیر او - که او نیز به ابومنصور شهرت داشت، دانشمندان و اهل سیر و حافظان داستانهای تاریخی را از گوشه و کنار کشور فراخواند و دانستههای ایشان را بر صفحه کتاب و دفتر آورد و مجموعه‌ای ترتیب داد و خود بر آن شرحی در چگونگی تألیف کتاب نوشت و آن جمله به نام شاهنامه ابومنصوری نامور شد. اما دست روزگار آن کتاب عظیم را از میان برده و امروز تنها مقدمه ابومنصور وزیر بر آن کتاب باقی مانده است که نمونه‌ای زیبا و کهن از نثر تاریخی فارسی است. ذکر این نکته نیز مفید به نظر می‌رسد که ظاهراً حکیم ابوالقاسم فردوسی در نظم شاهنامه ماندگار و ارجمند خویش از این شاهنامه ابومنصوری سود جسته و با امانت تمام آن را به شعر فارسی درآورده است.

اما تاریخ‌نگاری که در نیمه اول قرن چهارم با یکی دو ترجمه و یک مجموعه اطلاعات شفاهی از افواه دانشمندان مختلف و یکی دو کتاب آغاز شده بود، به مرور صورتی منسجم و روشی متین و طرحی روشن یافت و به زودی در طی قرون و اعصار مؤلفان توانایی دست به قلم بردند و به تدریج و به ترتیب کتابهایی در رشته تاریخ فراهم آوردند که بعضی از آنها از شاهکارهای ادب ایران، بلکه تاریخ جهان است.

دانشجوی ایرانی که رشته تاریخ را برای تعلیمات دانشگاهی انتخاب کرده به حکم ایرانی بودن خویش و برحسب برنامه درسی دانشگاه باید با این کتابها و آثار مکتوب تاریخی آشنایی تام و تمام حاصل کند و ارزش هر یک و محتوای هر کدام و شیوه نگارش هر اثر را بشناسد و بداند. اما چون دسترسی به همه این کتابها چندان



آسان نیست و قرائت همه متون تاریخی از ابتدا تا انتها - آن هم همراه با دروس دانشگاهی - مقدور نمی‌نماید، در برنامه درسی دانشگاه چنین منظور شده که دانشجویان رشته تاریخ با متون مهم آشنا شوند و تفاوت شیوه‌های نگارش و سبک تفکر مورخان و سلیقه آنان را در نقل حوادث و وقایع بازشناسند. کتاب حاضر بدین منظور و برای رسیدن بدین هدف فراهم آمده است. در این کتاب که متون تاریخی برحسب تاریخ تألیف آنها آورده شده است، دانشجویان با سبکها و روشها و سلیقه‌های مختلف آشنا می‌شود. همراه با هر متن شرحی هم در شرح حال مؤلف و محتوای کتاب و شیوه نگارش آن آمده است و جمعاً از شصت و چهار متن که همگی از کتابهای تاریخی مهم و دست اول انتخاب شده‌اند، نمونه‌برداری شده و در انتخاب نمونه‌ها نیز کوشش شده است که مطالبی ارائه شود که در تاریخ ایران حائز اهمیت فوق‌العاده است و در حقیقت تکمله‌ای است بر آنچه دانشجوی گرامی در قسمتهای مختلف تاریخ ایران خوانده یا می‌خواند. امیدوارم این اثر ناچیز برای استادان و دانشجویان دوره لیسانس مفید افتد و اگر در آن به کمی و کاستی برخوردند، نگارنده را آگاه سازند که بی‌شک هیچ کاری در آغاز بی‌عیب و نقص نبوده و نیست و جز با یادآوری و بیان موارد کمی و کاستی راهی برای تصحیح و تکمیل نخواهد بود. من الله التوفیق و علیه التکلان.

عبدالحسین نوائی

تهران ۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۵